

پس از فلوطین و نظریات تأثیر گذارش، موضوع «زیبایی» در آرای بزرگان کلیسا چون آگوستینوس و آکوینی «زاتاب یافت. آگوستین زیبایی را تناسب و قرارگرفتن اجزای همسنگ به صورت دو به دو، و در تقابلس و توازن با یکدیگر تعریف کرد و آکوینی به نور و وضوح احیای آرای زیبایسیوس معقول و به نوع آن ساختن بناهای بسیارزیبای گوتیک و ترجمه کتاب «المنظر» ابن‌هشام و تلاش بسیار جالب او در تعریف و مهتمتر ظهور بزرگانی چون هیوم و کانت، تعریف زیبایی را به جهان معاصر کشاند.

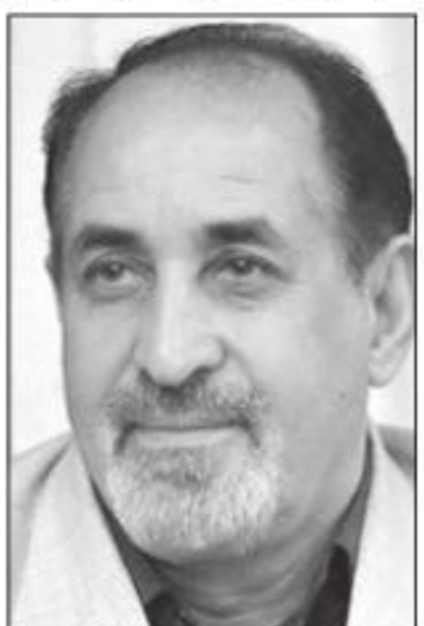
«رسانس» آغاز عصر نوری انسان اروپایی است؛ یعنی زمان ظهور کسانی چون آلبرتی، میکل آنژ، لوئارده داوینچی و رافائل در هنر و نیز ظهور اوانیسم» و تحولی عمیق در فلسفه که فاعل شناسایی «سوزبو» را در کردی و شناخت محور دانست «معلق شناسایی» (ایزو) را و از زمان ظهور کجوتوی دکارت، عقل نفاذ کانت و عصر روشنگری، زمینه ظهور نیوخ و خلافت در هنر و تمایز میان زیبایی و والاوسی در آرای هیوم و کانتس. و همه اینها طلیعه زیبای‌شناسی نوین‌اند.

زمان ظهور علوم تجربی (Science) و ترجیح ذهن بر مابین در ادراک که خود سبب گشوده شدن بنای جدید در ماهیت زیبایی شد و البته بر آرای فلاسفه عصر روشنگری، تأثیری همسزا نمود؛ برای مثال دورر (که سعیی داشت در رساله خود به اندازه‌گیری دقیق همه‌چیز در تمامی جزئیات بپردازد) به ذکر سسؤالی در مورد زیبایی پرداخت که می توانست مقدمه‌ای برای کسانی چون ادموند برک در رساله تحقیق درباره سرچشمه‌های نظریات ما در مورد والاوسی و زیبایی و نیز ایمانوئل کانت در نقد قوه حکم باشد: «اگر کسی پرسیده زیبایی در تصاویر چیست؟ شاید کسی پاسخ دهد: هر آنچه به‌وسیله دآوری آدمیان تأیید شده است؛ امری که شاید عده‌ای دیگر و ازجمله من موافق آن نباشد، زیرا اگر دآوری از نادانان باشد، این نتیجه دآوری را ما اگر از منظر دیگری به سؤال دورر بنگریم، او در اصل، ماهیت نقد و قضاوت را بطور معمولی و فاقد قدرت ذهنی خاص، در ادراک یا ارزش‌گذاری اثر هنری را زیر سؤال می‌برد؛ یعنی نه اینکه هنر ناظر، لیاقت و توانایی شناخت ارزش‌گذاری اثر هنری را ندارد، بلکه که از دیدگاه دورر این فقط «ذهن پردانی» است که کمال مطلق را می‌شناسد و به همین دلیل می‌تواند کمال مطلق را در یک اثر هنری شناسایی کند؛ بدین صورت مفهوم جدیدی وارد هنر شد که اگر نگوئیم بی‌سابقه بود، قطعاً سابقه کمی در تحلیل و تاریخ هنر داشت؛ یعنی عنصر حسی‌ناظر و نقد و نظر اثر، بی‌پرویی از طبیعت و بی‌پرویی از قواعد عقل، هم به هنرمند خلایق توصیه می‌شد و هم به کسی که به قضاوت انتقادی می‌پرداخت.»

فکر کردن متالی این معنای مهم، که در بطن خود لزوم در نظرگرفتن ناظر در تعریف مبادی هنر و زیبایی‌شناسی را درک زیبایی مطلق را می‌رساند که در جای خود درست است، اما اگر از منظر دیگری به سؤال دورر بنگریم، او در اصل، ماهیت نقد و قضاوت را بطور معمولی و فاقد قدرت ذهنی خاص، در ادراک یا ارزش‌گذاری اثر هنری را زیر سؤال می‌برد؛ یعنی نه اینکه هنر ناظر، لیاقت و توانایی شناخت ارزش‌گذاری اثر هنری را ندارد، بلکه که از دیدگاه دورر این فقط «ذهن پردانی» است که کمال مطلق را می‌شناسد و به همین دلیل می‌تواند کمال مطلق را در یک اثر هنری شناسایی کند؛ بدین صورت مفهوم جدیدی وارد هنر شد که اگر نگوئیم بی‌سابقه بود، قطعاً سابقه کمی در تحلیل و تاریخ هنر داشت؛ یعنی عنصر حسی‌ناظر و نقد و نظر اثر، بی‌پرویی از طبیعت و بی‌پرویی از قواعد عقل، هم به هنرمند خلایق توصیه می‌شد و هم به کسی که به قضاوت انتقادی می‌پرداخت.»

فکر کردن متالی این معنای مهم، که در بطن خود لزوم در نظرگرفتن ناظر در تعریف مبادی هنر و زیبایی‌شناسی را درک

خاطرشناسی‌م کند؛روشن‌می‌سازد.همزمانباتقیربه‌پردازای‌های دکارت در مورد دانش، مباحثه پیرامون ترجیح عقل بر تجربه یا تجربه به عقل در ماهیت هنر، روحانی پیوسته و یافت و کیفیت یک اثر هنری با مقدار تبعیت آن از قواعد و قوانین عقلایی و علمی منسجده شد، اما کسانی نیز بودند که سعی داشتند نوع برداشت‌های مخاطب یا ناظر را به نحوی در کیفیت اثر هنری دخالت داده و آن را در قلمرو سبب مبادی نظری هنر قرار گیرند. فلسفه ذهن‌محور، زیبایی‌شناسی، مکان و زمان و کشش در ساختار نمایش، اغنان داشت، اما اعتراف می‌کرد که گاهی آنها را به خاطر تأثیر نمایشی یا لذت تماشاگر نقض یا اصلاح کرده است یا مثلاً اختلاف نظری که میان پیروان زارلتیو* و وینتچوزو گالیله وجودداشت. پیروان زارلتیو معتقد بودند قواعد تعمه‌های ریاضی برای فهمه‌ای مقبول، ضرورت تام دارند؛در حالی که پیروان وینتچوزو به قضاوت گوش، بیشتر اهمیت می‌دادند. این معنا بیانگر این بود که اینک در آغاز زیبایی‌شناسی نوین، قضاوت و ادراک مخاطب نیز در ادراک زیبایی مورد تأمل و توجه قرار می‌گرفت؛ یعنی قبل از آنکه هنر به دلیل تقرب و نزدیکی با کمال مطلوب که یک امر بیرونی و عینی بود، مورد توجه و ارزش‌گذاری قرار گیرد، به احساس و ادراک ناظر نیز توجه می‌کرد و به یک عبارت این احساس و ادراک هم، از مبانی تعریف زیبایی‌شناسی قلمداد می‌گردید. لایپنیتس* در کتاب «مبایط طبیعت و ظرافت»، به دنبال تالیف عقل و تجربه و نیز قواعد علمی با دریافت‌های حسی و شخصی بود؛ بر اساس نظریه او «هنک‌های موسیقی مانند همه احساس‌ها، مخلوط درهم برهی از مجموعه‌های نامشابه، مدركات کوچک‌تر که در لحظه در هماهنگی پیش‌بیناد، با مدرکات تمامی جوهرهای فرد دیگرند و نفس در کشیدن یک نغمه هماهنگ، به طور ناآگاه این درهما را می‌شناسند و با آن تناسب ریاضی مقایسه می‌کند که در وقت بسط‌بودن هماهنگی تولید می‌کند.»



این نظریات فضا را برای طرح چنین بحثی گشود که تئوری‌های هنری و زیبایی‌شناسی تماماً مبتنی بر این دو نظربرانه: زیبایی یا امری ذهنی و درونی است* و یا عینی و بیرونی*^{۱۱} صاحبان نظریه اول می‌گویند زیبایی چیزی نیست که در عالم خارج وجود داشته باشد و ما بتوانیم آن را با شرایط و موازین خاص تعریف کنیم، بلکه یک امر درونی است که ذهن انسان به هنگام مواجهه با برخی محسوسات، در خودسود ایجاد می‌کند. این تعریف از آن بندتو کرجچه* است که زیبایی را در فعالیت روح صاحب‌حس می‌دانست و نه اوصاف و عناصری در محسوسات.

نتیجه اینکه سوزیکتیوسمجموع بر عصر روشنگری، دامن هنر و زیبایی‌شناسی را نیز در بر گرفت و به همین دلیل به جای کلیدی‌ترین ادژه‌های هنر، یعنی تقلید و کمال، خلافت‌ی و خیال‌نشینی، کرجچه در «کلیات زیبایی‌شناسی» زیبایی‌شناسی را علم جدیدی می‌داند که همزمان با فلسفه جدید متولد شده است؛ فلسفه‌ای که ساخت سوزیکتیوینه و نزدیک‌ترین ساختن علم زیبایی‌شناسی امکان نداشت.

او کامیاش به روش استدلالی و جزمی کهنه برگشته و یا زیبایی‌شناسی را علم جدیدی می‌داند که همزمان با فلسفه جدید متولد شده است؛ فلسفه‌ای که ساخت سوزیکتیوینه و نزدیک‌ترین ساختن علم زیبایی‌شناسی امکان نداشت. کرجچه کرجچه رد نمی‌کند، برخی بنیان‌های زیبایی‌شناسی جدید می‌تواند کمال مطلق را در یک اثر هنری شناسایی کند؛ بدین صورت مفهوم جدیدی وارد هنر شد که اگر نگوئیم بی‌سابقه بود، قطعاً سابقه کمی در تحلیل و تاریخ هنر داشت؛ یعنی عنصر حسی‌ناظر و نقد و نظر اثر، بی‌پرویی از طبیعت و بی‌پرویی از قواعد عقل، هم به هنرمند خلایق توصیه می‌شد و هم به کسی که به قضاوت انتقادی می‌پرداخت.»

فکر کردن متالی این معنای مهم، که در بطن خود لزوم در نظرگرفتن ناظر در تعریف مبادی هنر و زیبایی‌شناسی را درک

کروجچه این معانی را رد نمی‌کند، اما فلسفه را امری جدید می‌داند که به عین نمی‌پردازد، بلکه محور را ذهن قرار می‌دهد؛ بنابراین نتیجه کاملاً مشخص است: زیبایی‌شناسی که با این معنا متولد می‌شود، در تحلیل هنر نگاهي مطلقاً سوزیکتیوینه دارد و بدین صورت «علم‌ترین مسائل هنر این می‌شود که نقش‌شعر، هنر یا خیال در نظور روح چیست؟ و بالتبینه، چراطه خیال با علم منطقی و با زندگی علمی و اخلاق در چه قرار گیرد. فلسفه ذهن‌محور، زیبایی‌شناسی، مکان و زمان و کشش در ساختار نمایش، اغنان داشت، اما اعتراف می‌کرد که گاهی آنها را به خاطر تأثیر نمایشی یا لذت تماشاگر نقض یا اصلاح کرده است یا مثلاً اختلاف نظری که میان پیروان زارلتیو* و وینتچوزو گالیله وجودداشت. پیروان زارلتیو معتقد بودند قواعد تعمه‌های ریاضی برای فهمه‌ای مقبول، ضرورت تام دارند؛در حالی که پیروان وینتچوزو به قضاوت گوش، بیشتر اهمیت می‌دادند. این معنا بیانگر این بود که اینک در آغاز زیبایی‌شناسی نوین، قضاوت و ادراک مخاطب نیز در ادراک زیبایی مورد تأمل و توجه قرار می‌گرفت؛ یعنی قبل از آنکه هنر به دلیل تقرب و نزدیکی با کمال مطلوب که یک امر بیرونی و عینی بود، مورد توجه و ارزش‌گذاری قرار گیرد، به احساس و ادراک ناظر نیز توجه می‌کرد و به یک عبارت این احساس و ادراک هم، از مبانی تعریف زیبایی‌شناسی قلمداد می‌گردید. لایپنیتس* در کتاب «مبایط طبیعت و ظرافت»، به دنبال تالیف عقل و تجربه و نیز قواعد علمی با دریافت‌های حسی و شخصی بود؛ بر اساس نظریه او «هنک‌های موسیقی مانند همه احساس‌ها، مخلوط درهم برهی از مجموعه‌های نامشابه، مدركات کوچک‌تر که در لحظه در هماهنگی پیش‌بیناد، با مدرکات تمامی جوهرهای فرد دیگرند و نفس در کشیدن یک نغمه هماهنگ، به طور ناآگاه این درهما را می‌شناسند و با آن تناسب ریاضی مقایسه می‌کند که در وقت بسط‌بودن هماهنگی تولید می‌کند.»

این نظریات فضا را برای طرح چنین بحثی گشود که تئوری‌های هنری و زیبایی‌شناسی تماماً مبتنی بر این دو نظربرانه: زیبایی یا امری ذهنی و درونی است* و یا عینی و بیرونی*^{۱۱} صاحبان نظریه اول می‌گویند زیبایی چیزی نیست که در عالم خارج وجود داشته باشد و ما بتوانیم آن را با شرایط و موازین خاص تعریف کنیم، بلکه یک امر درونی است که ذهن انسان به هنگام مواجهه با برخی محسوسات، در خودسود ایجاد می‌کند. این تعریف از آن بندتو کرجچه* است که زیبایی را در فعالیت روح صاحب‌حس می‌دانست و نه اوصاف و عناصری در محسوسات.

نتیجه اینکه سوزیکتیوسمجموع بر عصر روشنگری، دامن هنر و زیبایی‌شناسی را نیز در بر گرفت و به همین دلیل به جای کلیدی‌ترین ادژه‌های هنر، یعنی تقلید و کمال، خلافت‌ی و خیال‌نشینی، کرجچه در «کلیات زیبایی‌شناسی» زیبایی‌شناسی را علم جدیدی می‌داند که همزمان با فلسفه جدید متولد شده است؛ فلسفه‌ای که ساخت سوزیکتیوینه و نزدیک‌ترین ساختن علم زیبایی‌شناسی امکان نداشت. کرجچه کرجچه رد نمی‌کند، برخی بنیان‌های زیبایی‌شناسی جدید می‌تواند کمال مطلق را در یک اثر هنری شناسایی کند؛ بدین صورت مفهوم جدیدی وارد هنر شد که اگر نگوئیم بی‌سابقه بود، قطعاً سابقه کمی در تحلیل و تاریخ هنر داشت؛ یعنی عنصر حسی‌ناظر و نقد و نظر اثر، بی‌پرویی از طبیعت و بی‌پرویی از قواعد عقل، هم به هنرمند خلایق توصیه می‌شد و هم به کسی که به قضاوت انتقادی می‌پرداخت.»

فکر کردن متالی این معنای مهم، که در بطن خود لزوم در نظرگرفتن ناظر در تعریف مبادی هنر و زیبایی‌شناسی را درک

صورت‌پردازی از محتویات روح بشر بود و زیبایی‌شناسی، محتوایی که اصل ضروری و لازم آن محسوس بود؛ «تعمق در چگونگی شعر و مخلوقات نیروی خیال بدون تعمق در روح به تمامی آن غیرممکن بود و ساختن یک فلسفه روح، بدون ساختن علم زیبایی‌شناسی امکان نداشت. هیچ یک از فلاسفه جدید از این روش الزامی منحرف نشده و اگر چنین به نظر برسد که یکی از آنها به اصل این نظریات نزدیک شده است، وقتی بیشتر دقت کنیم خواهیم دید که کامیاش به روش استدلالی و جزمی کهنه برگشته و یا زیبایی‌شناسی را علم جدیدی می‌داند که همزمان با فلسفه جدید متولد شده است؛ فلسفه‌ای که ساخت سوزیکتیوینه و نزدیک‌ترین ساختن علم زیبایی‌شناسی امکان نداشت. کرجچه کرجچه رد نمی‌کند، برخی بنیان‌های زیبایی‌شناسی جدید می‌تواند کمال مطلق را در یک اثر هنری شناسایی کند؛ بدین صورت مفهوم جدیدی وارد هنر شد که اگر نگوئیم بی‌سابقه بود، قطعاً سابقه کمی در تحلیل و تاریخ هنر داشت؛ یعنی عنصر حسی‌ناظر و نقد و نظر اثر، بی‌پرویی از طبیعت و بی‌پرویی از قواعد عقل، هم به هنرمند خلایق توصیه می‌شد و هم به کسی که به قضاوت انتقادی می‌پرداخت.»

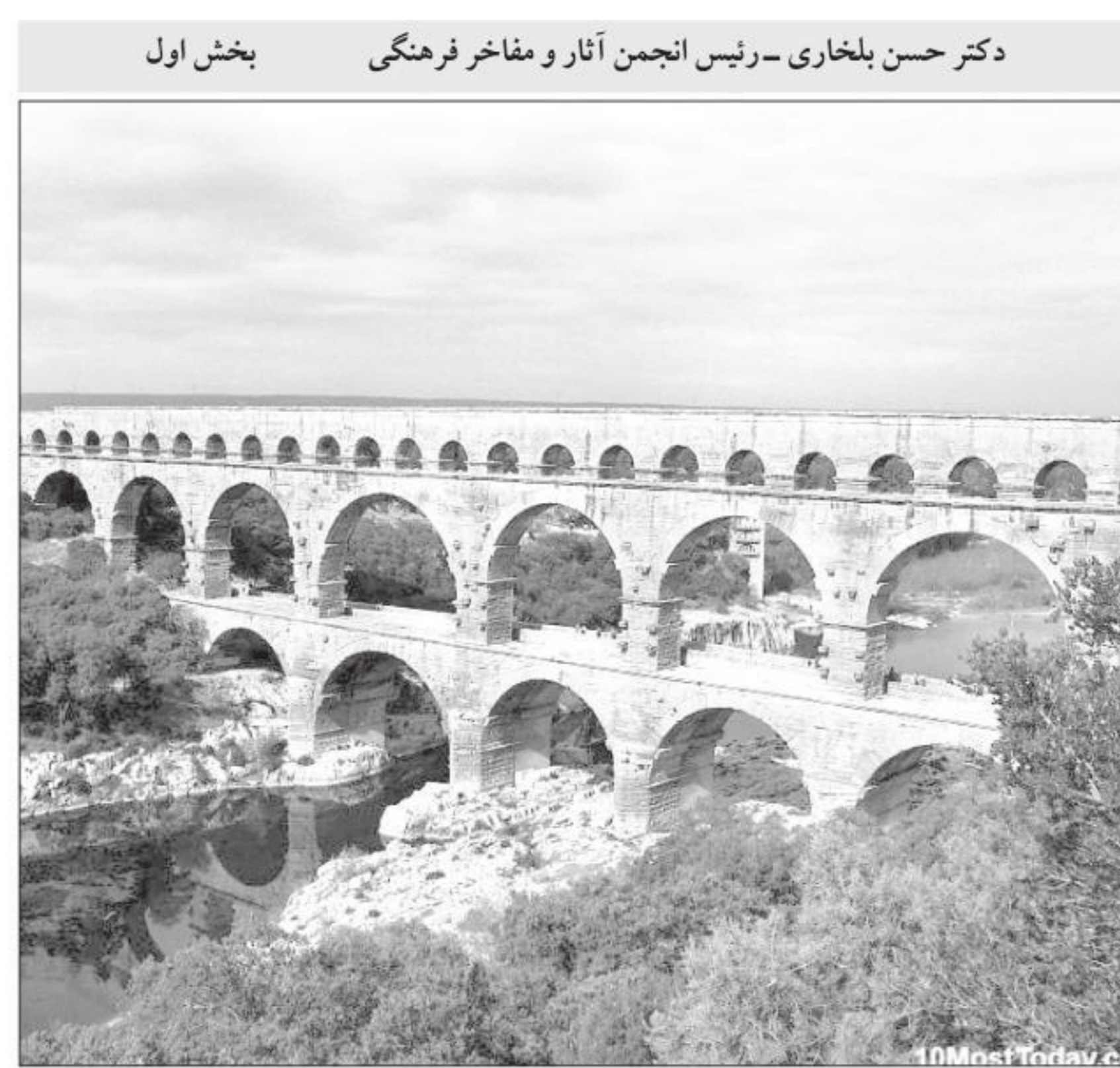
فکر کردن متالی این معنای مهم، که در بطن خود لزوم در نظرگرفتن ناظر در تعریف مبادی هنر و زیبایی‌شناسی را درک

نظرها و اندیشه‌ها

نتیجه اینکه تمامی تحولاتی که در یک دوره فشرده فلسفه زیبایی‌شناسی از آن سخن گفتیم، عواملی بود که به‌تدریج فضا را برای ایجاد نوعی علم و فلسفه زیبایی‌شناسی جدید توسط کانت باز نمود، فلذا بر اساس چنین تحولاتی منتقلا باید مفاهیمی انترامی چون خیال، ذوق، خلافت این می‌شود که نقش‌شعر، هنر یا خیال در نظور روح چیست؟ و بالتبینه، چراطه خیال با علم منطقی و با زندگی علمی و اخلاق در چه قرار گیرد. فلسفه ذهن‌محور، زیبایی‌شناسی، مکان و زمان و کشش در ساختار نمایش، اغنان داشت، اما اعتراف می‌کرد که گاهی آنها را به خاطر تأثیر نمایشی یا لذت تماشاگر نقض یا اصلاح کرده است یا مثلاً اختلاف نظری که میان پیروان زارلتیو* و وینتچوزو گالیله وجودداشت. پیروان زارلتیو معتقد بودند قواعد تعمه‌های ریاضی برای فهمه‌ای مقبول، ضرورت تام دارند؛در حالی که پیروان وینتچوزو به قضاوت گوش، بیشتر اهمیت می‌دادند. این معنا بیانگر این بود که اینک در آغاز زیبایی‌شناسی نوین، قضاوت و ادراک مخاطب نیز در ادراک زیبایی مورد تأمل و توجه قرار می‌گرفت؛ یعنی قبل از آنکه هنر به دلیل تقرب و نزدیکی با کمال مطلوب که یک امر بیرونی و عینی بود، مورد توجه و ارزش‌گذاری قرار گیرد، به احساس و ادراک ناظر نیز توجه می‌کرد و به یک عبارت این احساس و ادراک هم، از مبانی تعریف زیبایی‌شناسی قلمداد می‌گردید. لایپنیتس* در کتاب «مبایط طبیعت و ظرافت»، به دنبال تالیف عقل و تجربه و نیز قواعد علمی با دریافت‌های حسی و شخصی بود؛ بر اساس نظریه او «هنک‌های موسیقی مانند همه احساس‌ها، مخلوط درهم برهی از مجموعه‌های نامشابه، مدركات کوچک‌تر که در لحظه در هماهنگی پیش‌بیناد، با مدرکات تمامی جوهرهای فرد دیگرند و نفس در کشیدن یک نغمه هماهنگ، به طور ناآگاه این درهما را می‌شناسند و با آن تناسب ریاضی مقایسه می‌کند که در وقت بسط‌بودن هماهنگی تولید می‌کند.»

این نظریات فضا را برای طرح چنین بحثی گشود که تئوری‌های هنری و زیبایی‌شناسی تماماً مبتنی بر این دو نظربرانه: زیبایی یا امری ذهنی و درونی است* و یا عینی و بیرونی*^{۱۱} صاحبان نظریه اول می‌گویند زیبایی چیزی نیست که در عالم خارج وجود داشته باشد و ما بتوانیم آن را با شرایط و موازین خاص تعریف کنیم، بلکه یک امر درونی است که ذهن انسان به هنگام مواجهه با برخی محسوسات، در خودسود ایجاد می‌کند. این تعریف از آن بندتو کرجچه* است که زیبایی را در فعالیت روح صاحب‌حس می‌دانست و نه اوصاف و عناصری در محسوسات.

رسانس، مدرنیته و زیبایی



دویست سال به‌ویژه بعد از ادژه‌های روشنگرانه داوینچی و توحه او از طبیعت و نیز ایده‌های فلسفی دیگری که از آن گفتیم و باز خواهیم گفت، پرداخت شده و گرچه بنا بر محوریت نقاد در فلسفه او، این دویست سال مورد نقد قرار گرفته، اما به هر حال همان نقدی که آگاهی او از دویست سال را ایجاد می‌کرد، خودآگاه یا ناخودآگاه شده و در کنار زیبایی‌شناسی نوشتن نیز مؤثر بود.

واقعیت مسأله این است که همزمان با تحول ادژه‌های مؤثر بر هنر و تبدیل مفاهیمی چون تقلید به خلافت و پیش‌تناسیب و توازن عینی به نیروی خیال‌انگیز هنر، مفهوم و ماهیت زیبایی نیز تحولی عمیق پدیدار شد و دیدگاه‌های جدیدی مطرح گردید. ارسطو زیبایی را نظم، تقسار و تعین تعریف کرده بود (که علوم ریاضی آنها را در درجات معینی مشخص می‌کنند) و آگوستین قدیس زیبایی را تناسب و قرارگرفتن اجزای همسنگ به صورت دویه، دو در تقابل و توازن با یکدیگر، در قرن هفدهم نیز اثر لائپنیتس^{۱۱} زیبایی را اجزا و اجزای زیخسطفی دانسته و گفته بود: «زیبایی جز حقیقت نیست، اجزا و خطوط

حقیقی، زیبایی چیزی را به وجود می‌آورند و نسبت‌های حقیقی، زیبایی بناها را ایجاد می‌کنند؛ چنان‌که میزان‌های حقیقی فرآورنده هماهنگی و موسیقی‌اند.»^{۱۱} بنابراین به مدت دوهزار سال، زیبایی، تناسب و توازن تعریف می‌شد، اما تحولات قرون جدید و جاگزینی ذهن به جای عین، از تعریف زیبایی نیز تحولی رخ داد.

ویلیام هوگارت^{۱۱} در سال ۱۷۳۵ کتابی با عنوان «ارزیابی زیبایی» (Analysis of Beauty) نگاشت و در آن تعریف زیبایی را به نقد کشید و گفت: «اگر یکشناختی شکل اجزا و خطوط به‌راستی علت زیبایی باشد، هر قدر یکشناختی ظاهر آنها با دقت بیشتری حفظ شود، چشم باید لذت بیشتری بیشتری احساس کند.»^{۱۱} هوگارت به کمک تصاویر و با تقسیم‌بندی خطوط سعی کرد معنای زیبایی را نه در خطوط منظم و مستقیم، که در ترکیب آنها با هم جستجو کند. او خطوط مستقیم را حوالی کمترین قابلیت و استعداد برای تزئین دانست؛ اما پس از این خطوط، خطوط منحنی، قابلیت بیشتری دارند و از آنها مهتمتر خطوطی است که از اتحاد خطوط مستقیم و منحنی به‌وجود می‌آیند. در این سطح، زیبایی جلوه می‌یابد، اما پس از تلفیق خطوط مستقیم و منحنی، «خط زیبایی» قرار دارد که از یک خط موجدار با دو منحنی توأم تشکیل می‌شود: «آخرین و بالاترین مقام به خط درلبای منقلع دارد که بیشترین قابلیت ایجاد نوع را دارا است. این خط به‌وسیله یک سیم ظریف که به شکل خوشبایندی دور یک مخروطی خوش‌فرم پیچیده شده است نمایش داده می‌شود.»^{۱۱}

پی‌نوشت‌ها:

۱- مازکوس اولوئیس اوگوستینوس معروف به اوگوستین قدیس (Saint Augustinus) (۲۳۴–۳۰۴) از تأثیرگذارترین فیلسوفان و اندیشمندان مسیحیت در دوران باستان و اوایل قرون وسطی محسوب می‌گردد، او از شکل‌دهندگان تست مسیحی غربی (کاتولیک و پروتستان) به‌حساب می‌آید.
۲- قدیس توماس آکوینوس (Tommaso d'Aquino؛ ح. ۱۲۲۵–۱۲۷۴) معروف به حکیم اسکاتلی، فیلسوف ایتالیایی و مآله مسیحی است، او اعتقادات مسیحی را با فلسفه ارسطو تلفیق کرد. فلسفه او از ۱۷۸۹ تا اواسط دهه ۱۹۶۰ فلسفه رسمی کلیسای کاتولیک بود.
۳- «می‌لدینتس، پس هستم» (به لاتین: Cogito ergo sum) جمله معروف رنه دکارت، فیلسوف فرانسوی، است. این جمله که ابتدا در رساله «گفتار در روش» و سپس در «اصول فلسفه» آمده است، اولین اصل دکارت است که با تکیه بر آن فرضیه مابالمطبیعه (ماتریاریک) خود را در کتاب «مآلات در فلسفه اولی» بنیان نهاد و اعتماد به نفس را به‌عنوان اصلات در علم فلسفه کجانند. محتوای این جمله از نوع استنتاج منطقی نیست، بلکه نوعی شهود عقلم است.

۴. Albrecht Durer.
۵. ترجمه امیر مینر، تهران، فضا، ۱۳۵۵.
۶. تاریخ و مسائل زیباشناسی، مورتوسی پیرزلی و جان هامبرس، ترجمه محمدحسین حنایی، تهران، هرمس، ۱۳۷۶، ص ۳۱.
۷. Giuseppe Zarlino.
۸. Gottfried Wilhelm Leibniz.
۹. تاریخ و مسائل زیباشناسی، مورتوسی پیرزلی و جان هامبرس، ص ۳۳.
۱۰. Subjective.
۱۱. Objective.
۱۲. Benedetto Croce.

۱۳- در دوره‌های قبل، فلسفه عبارت بود از علم طبیعت، مبرای طبیعت یا حکمت الهی و البته به همین دلیل هرنس اسطوره‌ای مذهبی یا عرفانی داشت و به‌عنوان عَرَض فلسفه محسوب می‌شد و نه اصل فلسفه.
۱۴. Nicolas Malbranche.
۱۵. Duns Scotus.
۱۶- کلیات زیبایی‌شناسی بندتو کرجچه، ترجمه فولاد رومانی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۲، ص ۱۶۲.

۱۷- همان، صص ۱۹۳–۱۹۲.
۱۸. Earl of Shaftesbury.
۱۹- چیسیتی هنر، رساله هنلینگ، ترجمه علی رامین، تهران، هرمس، ۱۳۷۵، ص ۶۳.

۲۰. William Hogarth.
۲۱- چیسیتی هنر، رساله هنلینگ، کت در قرن هفدهم.
۲۲- همان، ص ۶۶.

هیئت‌مدیره کتابخانه

دکتر محمدابراهیم باستانی

پاروزی

نشر علم

چاپ سوم: ۱۳۹۹

صص ۹۵ – ۶۴۴ هزار تومان

کتاب حاضر مجموعه‌ای از مقالات اسناد استناد پاروزی است که با موضوعات مختلف تاریخی، ادبی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و گاه بسه گونه خاطرات فرام آمده است. «کودتای خزنده» عنوان

مقدمه مفصل کتاب است که نویسنده در آن رشد روزافزون جمعیت جهان را ارزیابی کرده و معتقد است سرانجام کشورهای نظیر چین و هند پا را از حریم خود برداشته و با نوعی حرکت آرام کودتای خزنده جهان را تسخیر خواهند کرد.

در بخشی از مقدمه آمده است: «دنا داریا برای مرمدش تنگ می‌شود و این تنگی موجب می‌شسود که بسیاری از گروه‌ها و جمعیت‌هایی که نیرویی دارند، بر دیگران سختگیری کنند و آنان را از حقوق سیاسی و اجتماعی خود محروم کنند و کار را به آنجا برسانند که بسیاری بر اثر گنجهای محلی و زد و خوردهای مداوم، ناچار به مهاجرت شوند، و امروز نزدیک سی میلیون نفر را سازمان ملل متحد به عنوان پناهنده نان می‌دهد که اغلب آنها تبعیدشگان خودخواسته یا ناخواسته عقیدتی هستند، غیر از آنها که خودشان برای کار به کشورهای دیگر رفتند و کم و بیش کار پیدا کرده و به نان بخورنمیزی دست یافته‌اند. و این نوع مهاجرت مربوط به امروز و دیروز نیست و سابقه تاریخی قدیمی دارد.»

پژوهش و نگارش تاریخ

دکتر عصر دجینتال

مایکل جی. گالگاتو، جی.

کریس آزندت، ریمنود ام.

هایزر

ترجمه: امیرحسین حنایی،

محمد نورمحمدی نجف آبادی

پژوهشکده تاریخ اسلام

چاپ اول: ۱۳۹۸

صص ۲۷۹ – ۴۰ هزار تومان

بررسی صحیح و دقیق گذشته، از طریق پژوهش و نگارش، به بهترین وجه صورت می‌گیرد. در این روش، مورخان مهارت تفکر انتقادی و تحیل را به کار می‌گیرند تا از طریق ترکیب روش‌های خود درباره موضوع مورد پژوهش با حقیقات موجود و تفسیری خاص ارائه دهند. به ساد، بهترین روش برای آموختن تاریخ پژوهش و نگارش آن است. این کتاب مقدمه‌ای ضروری برای پژوهشگران تازه‌کار است و برای انتخاب موضوع، شناسایی سبب، روش‌ها و مدارک موجود، تحلیل و تفسیر این شواهد و ارائه یافته‌ها به شکلی واضح و سازماندهی شده به آنها کمک می‌کند. در این روش، مسئولیت یادگیری برعهده خود پژوهشگران تازه کار است.

این کتاب با هدف بیان مقدمه‌ای بر نگارش تاریخ و مشخصاً چگونگی نگارش یک مقاله تاریخی، طبق الگوی «مقاله مجلات علمی فراهم شده است. نخستین فصل به بیان «تاریخ چیست» پاسخ می‌دهد. این فصل با بررسی کلی انواع رویکردهای مهمی که مورخان در مطالعه تاریخ به کار می‌گیرند، از توصیف ساده رشته تاریخ و ابزارهای لازم برای کارستن آن فراتر می‌رود.

فصل دوم پژوهشگران را با مراحل انجام دادن پژوهش تاریخی آشنا می‌کند. فصل سوم و چهارم، به ترتیب منابع دست دوم و اول را بحث می‌کند.

در فصل پنجم فرآیند نگارش بررسی و انواع متفاوت نگارش و تألیفاتی را که مورخان به کار می‌گیرند، توضیح داده می‌شود. سرانجام در فصل ششم به این موضوع پرداخته می‌شود که چرا و چگونه مورخان به شواهد و مدارک استناد می‌کنند.

آگهی دعوت هیئتمساعداران شرکت لاتگران نیرو (سهامی خاص) به‌شماره ثبت ۰۷۱۴۱۳۰۴۴ شماره ملی ۱۰۱۲۸۹۰۹۱۰۱

جهت تشکیل مجمع عمومی عادی

به دلیل عدم دستیابی به حد تصاب لازم سهامداران شرکت کنند در جلسه مورخ ۱۴۰۱/۰۱/۲۱:
بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت لاتگران نیرو نامندگن قانونی آنها دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی مورخ ۱۴۰۱/۰۱/۲۱ صبح مورخ ۱۴۰۱/۰۱/۲۱ در آدرس تهران -خیابان ولیفرشته شرفی -پلاک ۱۰، کدپستی ۱۳۵۷۳۳۳۳۳ و تلفن ۰۲۱-۴۲۸۱۱۸۱۱ شرکت کنند. حضور بهم رسانند.
دستور جلسه:
۱-انتخاب اضا هیئتمساعداران هیئتمساعداران ۲-تصویب آراء حساب سود و زیان ساله سال ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹

هیئتمدیره شرکت لاتگران نیرو

آگهی دعوت به مجمع عمومی فوق العاده شرکت کشت و صنعت تجمیر ایران (سهامی خاص) به‌شماره ملی ۱۰۱۲۲۵۰۹۰ و شماره ثبت ۸۰۵۲۸

بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی فوق العاده شرکت که در ساعت ۱۰ روز جمعه مورخ ۱۴۰۱/۰۱/۲۳ در آدرس میدان انقلاب، خیابان دوازده فروردین ابتدای خیابان نظری غربی، پلاک ۱۰۸ واحد تشکیل می‌گردد، حضور بهم رسانند.
دستور جلسه:
۱-اجلای شرکت ۲-انتخاب مدیر یا مدیران تسویه ۳-انتخاب روزنامه کنترول انتشار ۴- سایر موارد
هیات‌مدیره شرکت

آگهی تعدید مناقصه

شرکت سیمان یاسوج در نظر دارد عملیات استخراج، حمل، دبی مارال (۲۵۰/۰۰۰) و تغذیه مواد معدنی به میزان (۴۰۰/۰۰۰) فیدر سنگ شکن را از طریق برگزاری مناقصه عمومی به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید.

مقتضای می‌توانند جهت آگاهی از شرایط و دریافت اسناد مناقصه و تحویل اسناد تا پایان وقت اداری روز دوشنبه مورخ ۱۹ دی‌ماه ۱۴۰۱ در آدرس

فرمانده نیرتهند.
به عهده برنده مناقصه می‌باشد.
آدرس: یاسوج، کیلومتر ۲۵ جاده گچساران-دشتروم- تنگاری، کارخانه سیمان یاسوج، واحد تأمین و تدارکات - تلفن: ۰۷۴-۳۲۲۶۲۵۲

شرکت سیمان یاسوج (سهامی خاص)

آگهی مناقصه عمومی خرید مواد اولیه و بسته‌بندی به‌شماره ۱۴۰۱/۱۴۱۵۵

شرکت شیر پاستوریزه پگاه کرمان (سهامی خاص) در نظر دارد بستنیت به خرید مواد اولیه و بسته‌بندی مورد نیاز خود به شرح ذیل از طریق مناقصه عمومی اقدام نماید، مقتضای محترم جهت کسب اطلاعات بیشتر و استعلام شرایط مناقصه تا تاریخ ۱۴۰۱/۱۲/۱۹ ساعت ۱۰ به‌شماره ۰۲۴۳۳۳۳۳۱۱ تماس حاصل نمایند. آخرین مهلت ارسال اسناد مناقصه تا پایان وقت اداری روز چهارشنبه ۱۴۰۱/۱۲/۲۸ بازگشایی یک‌هفته مورخ ۱۴۰۱/۱۲/۲۹ می‌باشد.

فولهای ماده ۷۵-۹۵-۹۵-۱۲۵-مستندات فولهای ۷۹و۹۵۱

لید پتیزر ۹۰۱۴-سولید پتیزر لاتکتیکی ۹۰۱۴

ظروف بسته‌بندی ناست و پتیزر PP-PS

انواع بطری

انواع بطری ۲۸ لیتری یک لیتری شیر ماده ۲۸ بطری ۳۰ لیتری ۳۰ لیتری یک لیتری-ظرف گدازه ی کویلیت-ظرف گدازه ی آلومینیومی

انواع بطری ۲۸ لیتری

لی نیمر یاکی

انواع یادی

پورومرز

انواع کاربن

انواع کیفی سلولزی

انواع انبلیون شیر تنگ

انواع انبلیون شیر تنگ

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت قطعات توریین شیر رایز (سهامی خاص) به شماره ثبت ۰۸۱۷۰۰۸۱۷ شماره ملی ۱۰۱۲۸۹۰۹۱۰۱

بدینوسیله از کلیه صاحبان محترم سهام با نمایندگان قانونی آنها دعوت بعمل می‌آید که در جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه با حضور جلسه توریین شیر رایز ساعت ۱۰ روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۳/۱۲ محل شرکت واقع در زمستان توریین شیران غربی بخش مرکزی شهر فردیس بلوار آزادگان (ملاز)، بلوار مینا (پلاک ۱۸) کلیه همکاران می‌گردید. حضور بهم رسانند.
دستور جلسه:
۱-انتخاب اضا هیئتمساعداران هیئتمساعداران ۲-تصویب آراء حساب سود و زیان ساله سال ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹
دستور جلسه:
۱-انتخاب اضا هیئتمساعداران هیئتمساعداران ۲-تصویب آراء حساب سود و زیان ساله سال ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹

رئیس هیئت‌مدیره

آگهی دعوت مجمع عمومی فوق العاده و مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت سیمان خزر (سهامی خاص) به شماره ثبت ۰۸۱۷۰۰۸۱۷ شماره ملی ۱۰۱۲۸۹۰۹۱۰۱

به اطلاع کلیه صاحبان سهام شرکت سیمان خزر (سهامی خاص) که در زمانه ثبت ۱۳۹۹-۱۳۹۸ می‌رسد، جهت اطلاع و استعلام شرایط مناقصه عمومی فوق‌العاده شرکت در ترتیب در ساعت ۱۰ و ۱۰:۰۰ مورخ ۱۴۰۱/۰۱/۲۳ در جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه سهامداران محترم شرکت دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت که در ساعت ۱۰ روز جمعه مورخ ۱۴۰۱/۰۱/۲۳ در آدرس میدان انقلاب، خیابان دوازده فروردین ابتدای خیابان نظری غربی، پلاک ۱۰۸ واحد تشکیل می‌گردد، حضور بهم رسانند.
دستور جلسه:
۱-اجلای شرکت ۲-انتخاب مدیر یا مدیران تسویه ۳-انتخاب روزنامه کنترول انتشار ۴- سایر موارد
هیات‌مدیره شرکت

آگهی دعوت مجمع عمومی فوق العاده و مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت سیمان خزر (سهامی خاص) به شماره ثبت ۰۸۱۷۰۰۸۱۷ شماره ملی ۱۰۱۲۸۹۰۹۱۰۱

بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت که در ساعت ۱۰ روز جمعه مورخ ۱۴۰۱/۰۱/۲۳ در آدرس میدان انقلاب، خیابان دوازده فروردین ابتدای خیابان نظری غربی، پلاک ۱۰۸ واحد تشکیل می‌گردد، حضور بهم رسانند.
دستور جلسه:
۱-اجلای شرکت ۲-انتخاب مدیر یا مدیران تسویه ۳-انتخاب روزنامه کنترول انتشار ۴- سایر موارد
هیات‌مدیره شرکت

آگهی اطلاع فرا داده‌اندگزارید شماره ۱۰۰۰۶/۳۱/۰۱ مورخ ۱۳۷۷/۱۰/۲

درجاری استعلامات:
۱۵۰۲۰۰۱۹۲۰۰۱۰ مورخ ۱۴۰۰/۱۱/۱۷

ماده ۲ از تشسیع ۵ دادگاه عمومی حقوقی شهرستان پردیس و یا عبارت به نامه شماره ۰۵۰۰۵۰۰۵۰۰۰۰۰۰۰۰ مورخ ۱۴۰۱/۱۱/۱۷ مورخ ۱۴۰۱/۱۱/۱۷ جهت اجرای احکام مدنی دادگستری شهرستان پردیس و پرونده شماره ۱۰۱۳۶۰۰۰ مورخ ۱۴۰۱/۱۱/۲۹ مورخ ۱۴۰۱/۱۲/۲۹ بدینوسیله استعلام می‌گردد موضوع طلبه زمین و حق ابرار و پرداخت (۱۶۴-۴۰۰) به نام آقای مهدی عرب خراسانی به کمدلی ۳۲۳۹۴-۲۸۵۰ فاقد اعتبار و باطل شده اعلام می‌گردد.

روابط عمومی شرکت عمران شهر جدید پردیس)

شرکت توزیع نیروی برق استان ایزر

آگهی مناقصه عمومی دوجرح‌های (نوسازان)

موضوع مناقصه	تاریخ برگزاری لات	مبلغ تقریبی	مبلغ حداکثری
تعمیرات خطوط انتقال	۱۴۰۱/۰۲/۲۸	۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰
تعمیرات خطوط انتقال	۱۴۰۱/۰۲/۲۸		